



## ضوابط ارزیابی احادیث تأویلی معصومان علیهم السلام

محمدعلی مروّجی طبسی

(عضو هیئت علمی دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام)



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۴۰۴

مرّوجی طیبسی، محمدعلی، ۱۳۵۸-  
ضوابط ارزیابی احادیث تأویلی معصومان (علیهم السلام) / محمدعلی مرّوجی طیبسی، ویراستار: فاطمه یزدان‌پناه. قم: پژوهشگاه حوزه و  
دانشگاه، ۱۴۰۴.  
۲۵۵ ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۷۷۹: قرآن پژوهی: ۹۴)  
ISBN: 978-600-298-573-6  
بها ۲۱۷۰۰۰ ریال  
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.  
کتابنامه. ص. ۲۱۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
۱. چهارده معصوم -- احادیث. ۲. Hadiths\* -- Fourteen Innocents of Shiite. ۳. حدیث -- تأویل. ۴. Hadith --  
Hermeneutics. ۵. حدیث -- نقد و تفسیر. ۶. Hadith -- Criticism, interpretation, etc.  
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
BP۱۳۶/۹  
شماره کتابشناسی ملی  
۲۹۷/۲۱۲  
۱۰۰۸۹۶۳۸



### ضوابط ارزیابی احادیث تأویلی معصومان (علیهم السلام)

مؤلف: محمدعلی مرّوجی طیبسی (عضو هیئت‌علمی دانشگاه حضرت معصومه (علیها السلام))  
ویراستار: فاطمه یزدان‌پناه  
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
صفحه‌آرایی: اعظم یزدلی  
چاپ اول: بهار ۱۴۰۴  
تعداد: ۳۰۰ نسخه  
لیتوگرافی: سعیدی  
چاپ: قم - سبحان  
قیمت: ۲۱۷۰۰۰ تومان

---

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.  
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰  
(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳-۱۸۵  
تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰  
www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir  
فروشگاه اینترنتی: http://rihu.ac.ir/fa/book  
مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲، تلفن: ۰۲۵-۸۴۲۶۳۵ ۳-۶

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه‌السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۷۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درس «اعتبارسنجی حدیث» برای دانشجویان رشته «علوم حدیث» در مقطع کارشناسی ارشد فراهم آمده است. البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی، به‌ویژه طلاب سطح سه نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، حجت‌الاسلام دکتر محمدعلی مروّجی طبسی و نیز از ناظر محترم حجت‌الاسلام دکتر عبدالهادی مسعودی سپاسگزاری کند.

## فهرست مطالب

۱	مقدمه.....
۳	فصل اول: کلیات و مفاهیم.....
۳	۱-۱- کلیات .....
۳	۱-۱-۱. بیان مسئله.....
۵	۱-۱-۲. پرسش های پژوهش.....
۵	۱-۱-۲-۱. پرسش اصلی پژوهش.....
۵	۱-۱-۲-۲. پرسش های فرعی پژوهش.....
۵	۱-۱-۴. ضرورت و اهمیت پژوهش.....
۵	۱-۱-۵. اهداف پژوهش.....
۶	۱-۱-۶. پیشینه پژوهش .....
۶	۱-۱-۶-۱. کتاب.....
۸	۱-۱-۶-۲. رساله و پایان نامه .....
۱۰	۱-۱-۷. جنبه های نوآوری پژوهش .....
۱۰	۱-۱-۸. روش پژوهش .....
۱۱	۱-۲. مفاهیم.....
۱۱	۱-۲-۱. ضوابط.....
۱۲	۱-۲-۲. اعتبارسنجی.....
۱۳	۱-۲-۳. نقد حدیث .....

۱۴	۴-۲-۱. تفسیر
۱۷	۵-۲-۱. تأویل
۲۰	۶-۲-۱. ظاهر
۲۳	۷-۲-۱. باطن
۲۶	۸-۲-۱. جری و تطبیق
۲۶	۱-۸-۲-۱. جری
۲۹	اقسام «جری»
۲۹	۱. «توسعه مصداقی»، «استمرار زمانی»، «جری تأویلی»
۳۱	۲. جری «عرفی» و «فراعرفی»
۳۲	۲-۸-۲-۱. تطبیق
۳۶	بررسی نسبت منطقی مفاهیم «تفسیر»، «تأویل»، «باطن»، «جری» و «تطبیق»
۳۸	۹-۲-۱. روایت (حدیث) تفسیری
۴۰	۱۰-۲-۱. روایت (حدیث) تأویلی
۴۳	فصل دوم: مبانی نظری اعتبارسنجی روایات تأویلی معصومان
۴۳	مقدمه
۴۳	۱-۲. عرفی و فراعرفی بودن باطن آیات قرآن
۴۴	۱-۱-۲. تبیین مبنا
۴۵	۲-۱-۲. کارکرد مبنا
۴۶	۲-۲. قرینه بودن قاعده «سیاق» برای کشف «ظهور» کلام، نه «باطن»
۴۶	۱-۲-۲. تبیین مبنا
۴۸	۲-۲-۲. کارکرد مبنا
۴۸	۳-۲. حجیت روایات آحاد معتبر در تفسیر تمام آیات قرآن

۴۸	..... تبیین مبنا	۲-۳-۱
۵۲	..... کارکرد مبنا	۲-۳-۲
۵۴	..... مقصود از موافقت و مخالفت با قرآن در روایات عرض	۲-۴
۵۴	..... تبیین مبنا	۲-۴-۱
۵۵	..... ۱. روایات دلالت‌کننده بر لزوم واگذاشتن حدیث «مخالف» کتاب خدا	۲-۴-۱
۵۵	..... ۲. روایات دلالت‌کننده بر لزوم واگذاشتن حدیث «غیرموافق» با کتاب خدا	۲-۴-۱
۵۶	..... مقصود از «موافق/غیرموافق با کتاب» در اخبار عرض	۲-۴-۱
۵۶	..... مقصود از «مخالفت با کتاب» در اخبار عرض	۲-۴-۱
۵۹	..... کارکرد مبنا	۲-۴-۲
۵۲	..... ۵. گستره غلو و بیان عدم ملازمه میان غالی بودن راوی، عدم وثاقت او و غلوآمیز بودن	۲-۵
۶۱	..... مضمون حدیث	۲-۵
۶۱	..... تبیین مبنا	۲-۵-۱
۶۱	..... چستی غلو	۲-۵-۱-۱
۶۱	..... غلو در لغت	۲-۵-۱-۱-۱
۶۱	..... غلو در قرآن	۲-۵-۱-۱-۲
۶۲	..... غلو در روایات اهل بیت	۲-۵-۱-۱-۳
۶۳	..... غلو در اصطلاح متکلمان شیعه	۲-۵-۱-۱-۴
۶۷	..... نبود تلازم میان غالی بودن راوی و عدم وثاقت او	۲-۵-۱-۲
۶۸	..... عدم ملازمه میان غالی بودن راوی و غلوآمیز بودن مضمون حدیث	۲-۵-۱-۳
۶۸	..... کارکرد مبنا	۲-۵-۲
۷۱	..... فصل سوم: ضوابط ارزیابی سندی روایات تأویلی معصومان	۳
۷۱	..... مقدمه	۳-۱

- ۲-۳. ضوابط ارزیابی سندی روایات تأویلی معصومان ..... ۷۵
- ۱-۲-۳. لزوم پیوستگی سلسله سند (مسند، متصل، موصول) ..... ۷۵
- استثنا در نپذیرفتن و عدم حجیت خبر واحد مرسل (نقل مشایخ ثقات) ..... ۷۷
- نمونه‌ای از روایات مرسل تأویلی ..... ۷۹
- ۲-۲-۳. لزوم احراز وثاقت راویان ..... ۸۱
- ۱-۲-۲-۳. شرایط حجیت و پذیرش خبر راوی ..... ۸۳
- ۱-۱-۲-۳-۳. اسلام ..... ۸۳
- ۲-۱-۲-۳-۳. عقل ..... ۸۳
- ۳-۱-۲-۳-۳. بلوغ ..... ۸۴
- ۴-۱-۲-۳-۳. ایمان ..... ۸۴
- ۵-۱-۲-۳-۳. عدالت ..... ۸۴
- ۶-۱-۲-۳-۳. ضبط راوی (ضابط بودن راوی) ..... ۸۴
- جمع‌بندی ..... ۸۵
- ۲-۲-۳-۳. راه‌های احراز یا اثبات وثاقت راوی ..... ۸۵
- ۳-۲-۳. لزوم شهرت روایت تأویلی ..... ۸۶
- نمونه روایت مشهور تأویلی ..... ۸۹
- ۴-۲-۳. لزوم شاذ نبودن روایت تأویلی ..... ۸۹
- ۵-۲-۳. توجه به ضوابط تضعیف سند از جهت غالی بودن راوی ..... ۹۳
- ۱-۵-۲-۳. لزوم مشخص کردن گستره غلو و شاخصه‌های آن ..... ۹۳
- ۲-۵-۲-۳. لزوم طرح و رفع برخی احتمالات درباره متهمان به غلو ..... ۹۶
۱. احتمال ثبوت برائت راوی از اتهام به غلو ..... ۹۶
۲. احتمال نقل حدیث توسط راوی غالی، پیش از انحراف عقیدتی اش ..... ۹۷
۳. احتمال نقل حدیث توسط راوی غالی پس از بازگشت از غلو ..... ۹۹

۱۰۰	ثابت نبودن اتهام غلو برخی راویان
۱۰۱	لزوم پرهیز از گزارش‌های یک‌سویه
۱۰۳	نمونه‌های روایی
۱۰۳	ارزیابی سند
۱۰۴	ارزیابی سند
۱۰۵	ارزیابی سند
۱۰۶	لزوم سنجش و پردازش داده‌های رجالی
۱۰۸	لزوم بررسی اعتبار مأخذ ناقل حدیث
۱۰۹	جمع‌بندی
فصل چهارم: ضوابط ارزیابی محتوایی روایات تأویلی معصومان	
۱۱۱	مقدمه
۱۱۴	ضوابط مقدماتی
۱۱۴	لزوم مرزبندی روایات تفسیری و تأویلی (عرفی و فراعرفی)
۱۱۶	نمونه‌های روایی
۱۱۶	۱. نفی ظاهر آیه
۱۲۱	۲. تأویل فراعرفی
۱۲۶	لزوم تلاش برای فهم دقیق و درست معنای روایت تأویلی (فقه الحدیث)
۱۲۸	نمونه روایی
۱۳۵	۳. ضوابط اصلی
۱۳۵	۱. لزوم معارض نبودن روایت تأویلی با ظواهر آیات قرآن یا روح کلی قرآن
۱۳۷	نمونه روایی
۱۳۹	نمونه روایی
۱۴۲	نمونه روایی

- ۱۴۳..... قلمرو کارایی ضابطه
- ۱۴۳..... جمع‌بندی
- ۱۴۴..... لزوم معارض نبودن روایت تأویلی با سنت (قطعی)
- ۱۴۶..... قلمرو کارایی ضابطه
- ۱۴۷..... نمونه‌های روایی
- ۱۴۹..... لزوم غلوآمیز نبودن محتوای روایت تأویلی
- ۱۵۳..... قلمرو کارایی ضابطه
- ۱۵۴..... نمونه‌های روایی
- ۱۵۸..... نقد و ارزیابی محتوایی برخی روایات تأویلی که ادعا شده برساخته غالیان است
- ۱۶۵..... لزوم تعارض نداشتن با عقل
- ۱۶۵..... مقصود از «عقل» چیست؟
- ۱۶۷..... دلیل اعتبار «عقل»
- ۱۶۸..... قلمرو کارایی عقل
- ۱۷۰..... نکات تکمیلی درباره ضابطه «لزوم مخالفت نداشتن با عقل»
- ۱۷۱..... نمونه روایی
- ۱۷۳..... لزوم مخالفت نداشتن با اجماع
- ۱۷۴..... قلمرو کارایی ضابطه
- ۱۷۴..... نمونه روایی
- ۱۷۵..... لزوم معارض نبودن با ضروری دین یا مذهب
- ۱۷۷..... دلیل اعتبار معیار «ضروری دین و مذهب» در اعتبارسنجی روایات
- ۱۷۷..... قلمرو کارایی ضابطه
- ۱۷۷..... نمونه‌های روایی
- ۱۷۹..... لزوم مخالفت نداشتن با تاریخ «صحیح»
- ۱۸۱..... قلمرو کارایی ضابطه

۱۸۲	نمونه‌های روایی
۱۸۳	نقد و بررسی
۱۸۳	۸-۳-۴. لزوم مخالفت نداشتن با «مشاهدات» و «تجربیات»
۱۸۵	دلیل اعتبار «مشاهدات» و «تجربیات»
۱۸۵	نکات تکمیلی درباره معیار «مشاهدات» و «تجربیات»
۱۸۶	قلمرو کارایی ضابطه
۱۸۷	۹-۳-۴. لزوم مطابقت داشتن روایت تأویلی با سیاق آیه
۱۸۹	نقد و بررسی
۱۹۳	۱۰-۳-۴. لزوم مطابقت داشتن با قواعد زبان و ادبیات عربی
۱۹۴	نقد و بررسی
۱۹۶	۱۱-۳-۴. لزوم وجود رابطه زبان‌شناختی میان معنای تأویلی و الفاظ آیه
۱۹۸	نقد و بررسی
۲۰۰	۱۲-۳-۴. لزوم «بعید» نبودن تطبیقات در روایت تأویلی
۲۰۱	نقد و بررسی
۲۰۱	۱۳-۳-۴. لزوم رکیک نبودن لفظ و معنا
۲۰۳	نمونه روایی
۲۰۴	نقد و بررسی
۲۰۷	۴-۴. جمع‌بندی
۲۰۹	سخن پایانی
۲۰۹	۱-۵. نتیجه‌گیری
۲۱۶	۲-۵. پیشنهادها
۲۱۹	منابع و مأخذ



## مقدمه

قال اميرالمؤمنين علي (عليه السلام): «وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أَيْقُنْ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ وَلَا تَنْقُضِي عَرَائِبُهُ وَ لَا تُكْشِفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ»<sup>۱</sup>.

احادیث بسیاری در منابع شیعه و سنی، بر وجود «باطن» برای تمام آیات قرآن دلالت می‌کند.<sup>۲</sup> از جمله، حدیثی معتبر از فضیل بن یسار که می‌گوید: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنْ هَذِهِ الرَّوَايَةِ مَا مِنْ الْقُرْآنِ آيَةٍ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَقَالَ ظَهْرُهُ تَنْزِيلُهُ وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ...»؛ از امام باقر (علیه السلام) درباره روایت «هیچ آیه‌ای از قرآن نیست، مگر آنکه برای آن ظاهر و باطنی است» سؤال کردم. آن حضرت (علیه السلام) فرمود: «ظاهرش تنزیل آن، و باطنش تأویل آن است».<sup>۳</sup> از مجموع این روایات فهمیده می‌شود که مرتبه‌ای از بطون قرآن، فراتر از دلالت عرفی آیات است و فهم آن ویژه «راسخان در علم» (پیامبر ﷺ و عترت مطهر ایشان (علیهم السلام)) می‌باشد.<sup>۴</sup> از این رو بیان باطن فراعرفی یا تأویل باطنی آیات قرآن، بخش مهمی از احادیث تفسیری اهل بیت (علیهم السلام) به شمار می‌رود.

درباره منطق تعامل با روایات تأویلی (باطنی)، روش اعتبارسنجی و معیارهای پذیرش یا رد آن‌ها دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. برخی با این باور که همه روایات منقول از عترت (علیهم السلام) در منابع پیشینیان قطعی الصدورند، رویکردی سهل‌گیرانه در پذیرش روایات باطنی دارند. در مقابل، برخی دیگر با دیدگاهی سخت‌گیرانه و بدبینانه، این روایات را به محض وجود راویان ناشناخته،

۱. نهج البلاغه، خ ۱۸، ص ۶۱ همچین نک به: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۶۲.
۲. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۴، ۴۶، ج ۲، ص ۵۳۹؛ ج ۳، ص ۴۱۵ و ۸۷۷؛ عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۵، ۴۴۹؛ ج ۳، ص ۴۹۳؛ طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹؛ سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۶؛ ج ۶، ص ۶۵؛ طبرانی، المعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۲۶؛ همو، المعجم الکبیر، ج ۱۰، ص ۱۰۶.
۳. صفار، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۹۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۹۷.
۴. رک به: مقاله بابایی، «چیستی باطن قرآن کریم از منظر روایات و بررسی دیدگاه‌ها براساس آن»، فصلنامه علوم حدیث، سال یازدهم، شماره چهارم. در فصل دوم این رساله با تفصیل بیشتر، در این باره سخن خواهیم گفت.

## ۲ ضوابط ارزیابی احادیث تأویلی معصومان علیهم السلام

غالی یا متهم به غلو، یا اشکالات سندی، فاقد حجیت می‌دانند. همچنین برخی به دلیل فراعرفی بودن تأویل و مطابقت نداشتن معنای «مؤول» با سیاق آیه و..، چنین روایاتی را از حجیت و اعتبار ساقط می‌کنند یا آن‌ها را ساخته غلات و جاعلان حدیث می‌دانند. این پژوهش با هدف کشف، تبیین و بررسی جامع ضوابط اعتبارسنجی روایات تأویلی معصومان علیهم السلام، در چهار فصل سامان یافته است. فصل نخست: بیان کلیات و مفاهیم. فصل دوم: مبانی نظری اعتبارسنجی روایات تأویلی معصومان علیهم السلام. فصل سوم: ضوابط ارزیابی سندی روایات تأویلی معصومان علیهم السلام. فصل چهارم: ضوابط ارزیابی محتوایی روایات تأویل معصومان علیهم السلام. در پایان نیز، نتایج به دست آمده از این پژوهش ارائه شده و برخی زمینه‌های پژوهشی مرتبط با موضوع روایات تأویلی (باطنی) معصومان علیهم السلام، پیشنهاد شده است.

در پایان پس از حمد و ثنای خداوند یکتا، لازم می‌دانم سپاس بیکران خود را به استادان فرهیخته و ارجمندی تقدیم کنم که با نکته‌سنجی‌های عالمانه و نقدهای سازنده خود، در به ثمر رسیدن و غنای علمی این اثر نقش مؤثری داشتند:

۱. حجت الاسلام دکتر علی اکبر بابایی.
۲. حجت الاسلام دکتر سید محمود طیب‌حسینی.
۳. حجت الاسلام دکتر احسان سرخه‌ای.
۴. حجت الاسلام دکتر علی فتحی.
۵. حجت الاسلام دکتر محمدکاظم رحمان‌ستایش.
۶. آقای دکتر محمد مرادی.

همچنین از استاد بزرگوارم حجت الاسلام دکتر عبدالهادی مسعودی که نظارت این طرح را بر عهده داشتند و نکات بسیار دقیق و سودمندی برای رفع کاستی‌های این اثر پیشنهاد دادند، صمیمانه سپاسگزارم. نیز از فاضل ارجمند حجت الاسلام رضا عندلیبی به خاطر ویرایش و تلخیص این اثر قدردانی می‌کنم.

ثواب این پژوهش را به روح پاک پدر و مادرم که مودت و معرفت به اهل بیت علیهم السلام را در ضمیرم به یادگار گذاشتند، اهدا می‌کنم.

محمد علی مروّجی طبسی

شهر مقدس قم

اسفند ۱۴۰۳ش / شعبان المعظم ۱۴۴۶ق.

## فصل اول

### کلیات و مفاهیم

در این فصل ابتدا به بیان «کلیات» و سپس به «مفهوم‌شناسی» اصطلاحات کلیدی این پژوهش می‌پردازیم.

#### ۱-۱- کلیات

در این بخش، موضوع پژوهش را به‌طور اجمالی بررسی کرده و چارچوب کلی محتوای آن را ارائه می‌دهیم.

#### ۱-۱-۱. بیان مسئله

«تأویل» یا «باطن» قرآن یکی از موضوعات چالش‌برانگیز و درازدامن در حوزه‌های معرفت دینی، همچون تفسیر و علوم قرآن، کلام، اصول فقه، فلسفه و عرفان است. این موضوع تأثیر بسزایی در شکل‌گیری جریان‌های تفسیری داشته است. به‌طوری‌که مفسران را می‌توان در طیفی میان تأویل‌گرایی و باطنی‌گری محض از یک‌سو، و تأویل‌گریزی و ظاهرگرایی صرف از سوی دیگر، دسته‌بندی کرد. اساس این تقسیم و تعدد، ریشه در پرسش‌های بنیادینی دارد که در زمینه تأویل مطرح است: آیا قرآن دارای تأویل و باطن است؟ آیا خداوند همه مقاصدش را از طریق ظواهر الفاظ بیان نموده است؟ آیا خداوند برای انتقال پیام به ظواهر آیات بسنده کرده یا در قالب‌هایی نمادین، رمزگونه و فراعرفی نیز سخن گفته است؟ اگر چنین است راه فهم تأویل و بطن آیات چیست؟ و چه رابطه‌ای میان ظاهر و باطن آیات وجود دارد؟

خاستگاه این مسئله، احادیث فراوانی در منابع حدیثی فریقین است که بر وجود «باطن» و

#### ۴ ضوابط ارزیابی احادیث تأویلی معصومان علیهم السلام

«تأویل» برای آیات قرآن دلالت دارند؛<sup>۱</sup> گرچه درباره چستی آن دو، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است. همچنین تأویل باطنی آیات در روایات معصومان علیهم السلام از واقعیات انکارناپذیر در تاریخ تفسیر و حدیث است که در جوامع حدیثی و تفاسیر روایی شیعه، بازتاب گسترده‌ای یافته است. این روایات از نظر سند، دارای احادیث معتبر و ضعیف‌اند، و از نظر محتوا، معانی فراطهری دارند که در بسیاری از موارد، فراعرفی بوده و دور از فهم برای عموم عقلا است.

بی‌تردید اسناد قطعی این روایات به معصومان علیهم السلام یا استناد تفسیر آیات به این روایات، مستلزم اعتبارسنجی دقیق و متقن است تا از تحریف معنایی آیات و تفسیر به‌رأی، که برآمده از ورود داده‌های مجعول و نامعتبر در عرصه تفسیر است، پیش‌گیری شود. با این حال، روش‌های اعتبارسنجی این روایات یکسان نیست. برخی با رویکردی سهل‌گیرانه و خوشبینانه به نقد، گزینش و پذیرش آن‌ها پرداخته‌اند، درحالی‌که برخی دیگر، به استناد پدیده جعل و غلو، دیدگاهی سخت‌گیرانه و بدبینانه اتخاذ کرده و بیشتر یا حتی همه احادیث تأویلی را ساخته و پرداخته‌گالیان دانسته‌اند. از این‌رو، با پرسش‌های متعددی درباره چگونگی مواجهه با چنین روایاتی، روبه‌رو می‌شویم: آیا می‌توان این احادیث را بدون ارزیابی سندی و محتوایی، صرفاً به دلیل فهم‌ناپذیری و یا ناهمخوانی با ظهور و سیاق آیات، مجعول و از تأویلات باطل دانست؟ آیا همین ملاک برای ساقط کردن آن‌ها از حجیت و اعتبار کافی است؟ یا آنکه با پذیرش صدور تأویلات فراعرفی آیات از معصومان علیهم السلام و عرفی - فراعرفی بودن بطون قرآن، باید این‌گونه روایات را براساس معیارهای علمی اعتبارسنجی کرد؟

این پژوهش با سه پیش‌فرض اساسی انجام شده است: «آیات قرآن دارای باطن عرفی و فراعرفی است»؛ «فهم تأویل (بطن) فراعرفی آیات، منحصر در معصومان علیهم السلام است»؛ و «ارزیابی ضابطه‌مند در حوزه سند و محتوا، راهکاری متقن برای اسناد قطعی این روایات به معصومان علیهم السلام به شمار می‌رود». بر این اساس، پژوهش حاضر در پی تدوین ضوابط استواری برای اعتبارسنجی دقیق روایات تأویلی فراعرفی معصومان علیهم السلام است تا بتوان درباره صحت صدور یا جعلی بودن این‌گونه روایات داوری کرد یا اینکه مسکوت، و در بقعه «امکان» باقی گذاشته و حکم به توقف در پذیرش یا رد آن‌ها داد.

---

۱. رک به: پاورقی مقدمه.

### ۱-۱-۲. پرسش‌های پژوهش

#### ۱-۱-۲-۱. پرسش اصلی پژوهش

ضوابط ارزیابی احادیث تأویلی معصومان علیهم‌السلام چیست؟

#### ۱-۱-۲-۲. پرسش‌های فرعی پژوهش

۱. مبانی نظری حاکم بر ارزیابی روایات تأویلی معصومان علیهم‌السلام چیست؟

۲. ضوابط ارزیابی سندی روایات تأویلی معصومان علیهم‌السلام چیست؟

۳. ضوابط ارزیابی محتوایی روایات تأویلی معصومان علیهم‌السلام چیست؟

### ۱-۱-۴. ضرورت و اهمیت پژوهش

وجود بطن برای آیات قرآن، از امور مورد اتفاق شیعه و سنی است. بسیاری از معارف و مقاصد قرآنی در بطن آیات آن نهفته‌اند و فهم آن‌ها به عمق‌بخشی و ارتقای سطح معرفت قرآنی کمک می‌کند. از سوی دیگر، برخی مکاتب و جریان‌های انحرافی برای تأیید مبانی فکریشان، آیات قرآن را ناصحیح تأویل کرده‌اند. بهره‌گیری از معارف قرآن و تعمیق و توسعه در سطح معرفت قرآنی (از ظاهر به باطن) مستلزم توجه به باطن است. در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام - که تنها آگاهان به بطن و تأویل قرآن هستند - این مسئله اهمیت ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر، گستردگی حجم روایات تأویلی منقول از معصومان علیهم‌السلام و نیز شناسایی تأویلات ناروا و باطل جریان‌های انحرافی، ضرورت شناخت ضوابط اعتبارسنجی این روایات را آشکار می‌کند. بنابراین، لازم است که با معیارهای پذیرش، رد یا مسکوت گذاشتن روایات تأویلی منسوب به اهل بیت علیهم‌السلام آشنا شویم. آشنایی با ضوابط، موجب می‌شود که روایات ناب معرفتی اهل بیت علیهم‌السلام بدون دلیل رد نشوند و بی‌جهت از دایره اعتبار خارج نگردند. به بیان دیگر، فهم باطن آیات در پرتو روایات اهل بیت علیهم‌السلام میسر و ضابطه‌مند می‌شود و از نفوذ تأویلات نادرست به حوزه فکری دین جلوگیری می‌شود. از دیگر فوائد این بحث، حل تعارض بدوی میان متن روایاتی است که برخی به تبیین ظاهر آیه و برخی دیگر به بیان باطن همان آیه پرداخته‌اند.

### ۱-۱-۵. اهداف پژوهش

این پژوهش با توجه به موضوع خود، اهداف زیر را دنبال می‌کند:

## ۶ ضوابط ارزیابی احادیث تأویلی معصومان علیهم السلام

۱. شناسایی، تبیین و بررسی جامع ضوابط ارزیابی و اعتبارسنجی روایات تأویلی معصومان علیهم السلام.
۲. آشنایی با روش صحیح درک معارف باطنی آیات قرآن در پرتو روایات معصومان علیهم السلام.
۳. تفکیک تأویلات سره از ناسره و پالایش قرآن از تأویلات ناروا.

### ۱-۱-۶. پیشنهاد پژوهش

اهتمام به تبیین منطق تعامل با روایات معصومان علیهم السلام و منقح‌سازی ضوابط نقد احادیث، از دیرباز مورد توجه عالمان و اندیشمندان اسلامی بوده است. کلینی در مقدمه کتاب الکافی و شیخ طوسی در کتاب عدّه الاصول و مقدمه الاستبصار به اختصار ضوابط نقد متن روایات را بیان کرده‌اند. شیخ حر عاملی، محدث دیگری است که در خاتمه وسائل الشیعه، بیست ضابطه برای نقد سند و متن روایات ذکر کرده است. در دوران معاصر، موضوع ضوابط ارزیابی احادیث به‌طور جدی‌تری مورد پژوهش قرار گرفته است که می‌توان از منابعی چون: «اهتمام المحدثین بنقد الحدیث سنداً و متنّاً» تألیف محمد لقمان السلفی، «منهج نقد المتن عند علماء الحدیث النبوی» تألیف ادلیبی و «منهج النقد عند المحدثین» تألیف اعظمی، نام برد. منابع دیگری نیز در قالب کتاب، مقاله و رساله نگاشته شده که تا حدی مرتبط با موضوع این پژوهش است، و در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

### ۱-۱-۶-۱. کتاب

\* الموافقات فی اصول الشریعة اثر ابو اسحاق شاطبی (م ۷۹۰ق): وی در فصل «إحکام و تشابه»، مسئله ۶ به بیان شرایط تأویل پرداخته و در فصلی دیگر، شرایط باطن را تبیین کرده است. با این حال، رویکرد اصلی او، ارائه ضابطه برای اعتبارسنجی «روایات تأویلی و باطنی معصومان علیهم السلام» نبوده است.

\* التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت، ج ۱: نویسنده در مبحث «التفسیر و التأویل (الظهر و البطن)» و ذیل عنوان «ضابطة التأویل»، سه شرط برای صحت تأویل مطرح کرده است.

\* مقالاتان فی التأویل، محمد سالم ابوعاصی: او در مقدمه کتابش، هدف از نگارش آن را بررسی تأویل از منظر دانشمندان علوم قرآنی، و تبیین شرایط و ضوابط تأویل بیان کرده است.

## فصل اول: کلیات و مفاهیم ۷

\* روش‌شناسی نقد احادیث، نصیری: در این کتاب، ضمن بررسی روش‌های نقد سندی و متنی، ده معیار برای سنجش متن روایات معرفی کرده و نمونه‌هایی از روایات را براساس آن‌ها ارزیابی کرده است.

\* آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان علیهم‌السلام، علی‌اکبر رستمی: وی در فصل سوم این کتاب، با عنوان «آسیب‌شناسی روایت‌های تفسیری و راه‌حل‌های آن»، ذیل بحث «روش پالایش روایات تفسیری»، دو روش سندشناسی و بازکاوی محتوایی روایات تفسیری را با معیارهای قرآن، روایات و عقل سلیم بررسی کرده است. همچنین، در ادامه همین فصل، به اختصار مبحث «جریان‌شناسی غلو و شناسایی روایات غلوآمیز» را مطرح کرده است. افزون‌بر این، او در فصل چهارم، ضوابط تأویل یا معیارهای دستیابی به باطن قرآن را از نگاه آیت‌الله معرفت گزارش نموده است. باین‌حال، این اثر به‌طور ویژه به ضوابط نقد روایات تأویلی معصومان علیهم‌السلام پرداخته است.

\* روش‌های تأویل قرآن، دکتر محمدکاظم شاکر: این کتاب درباره معاشناسی و روش‌شناسی تأویل قرآن در سه حوزه معرفت دینی، یعنی حوزه متون اسلامی (آیات و روایات)، حوزه مکاتب باطنی و حوزه فقه و اصول است. نویسنده در فصل چهارم با عنوان (جری و تطبیق قرآن بر اهل‌بیت علیهم‌السلام و مخالفانشان در روایات تفسیری)، بخش سوم با عنوان «تطبیق باطل» به نقش غلات در جعل روایات تفسیری پرداخته و سپس اقسام تطبیق باطل را بررسی کرده است. این اقسام شامل تطبیقات مخالف نص و سیاق آیات، تطبیقات موهن به مقام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل‌بیت علیهم‌السلام، تطبیقات مخالف قواعد زبان و ادبیات عرب، تطبیقات مخالف واقعیت‌های تاریخی و تطبیقات بعید است که از این مباحث نوعی ضوابط برای پذیرش و رد روایات باطنی فهمیده می‌شود. نویسنده برخی روایات تأویلی منقول از اهل‌بیت علیهم‌السلام را به دلیل نداشتن ملاک‌های ذکرشده، رد کرده است.

\* بررسی مکاتب و روش‌های تفسیری، استاد بابایی: وی در بخش معرفی و بررسی مکتب تفسیری باطنی محض، برخی ضوابط را برای پذیرش روایات باطنی نقد کرده و معیاری برای صحت تفسیر باطنی ارائه داده است. همچنین او در کتاب قواعد تفسیر قرآن، ضوابطی درباره بهره‌گیری از روایات تفسیری و استناد به آن‌ها بیان کرده است؛ اما این مباحث ارتباط مستقیمی با ضوابط اعتبارسنجی روایات تأویلی معصومان علیهم‌السلام ندارد.

## ۸ ضوابط ارزیابی احادیث تأویلی معصومان علیهم السلام

\* آسیب‌شناسی روایات تفسیری، دکتر محمدتقی دیاری بیدگلی: نویسنده در مقدمه کتابش، مهم‌ترین آسیب‌های روایات تفسیری را در شش مورد دسته‌بندی کرده است: حذف اسانید، وضع، اسرائیلیات، غلو و غالیان، نقل به معنی و اختلاف قرائات. او در فصل سوم (پدیده جعل و تحریف در روایات تفسیری)، فهرست‌وار به ده نشانه و معیار تشخیص روایات ساختگی، اشاره کرده است. همچنین در فصل پنجم، به «پدیده غلو در روایات تفسیری» پرداخته و آن را یکی از آسیب‌های مهم روایات تفسیری دانسته است.

\* مبانی تفسیر روایی، محمد فاکر میبیدی: نویسنده در فصل دوم از بخش چهارم (آسیب‌شناسی روایات تفسیری)، با عنوان «معیار نقد و تشخیص» به طور اجمالی چهار معیار زیر را برای تشخیص احادیث سره از ناسره بیان کرده است: قرآن، سنت قطعی، حقایق قطعی تاریخ، عقل سلیم.

\* تفسیر روایی جامع، عبدالهادی مسعودی، ج ۲، آسیب‌شناسی: در فصل دوم (آسیب‌های محتوایی روایات تفسیری)، درس دوازدهم با عنوان «کشف و نقد روایات ساختگی» به سه معیار نقد محتوایی روایات تفسیری (قرآن، احادیث معتبر و استوار، مسلمات دینی و مذهبی) اشاره کرده است. در درس سیزدهم نیز معیار تاریخ در نقد روایات تفسیری را بررسی کرده است. همچنین نویسنده در کتاب «وضع و نقد حدیث» به طور مبسوط درباره نقد محتوایی و معیارهای آن و نیز ارتباط آن با نقد سندی توضیح داده است.

### ۱-۱-۲. رساله و پایان‌نامه

\* بررسی و تحلیل روایات تأویلی در تفسیر نور الثقلین با تأکید بر نقد شبهات وارد بر تفاسیر شیعی، معصومه خاتمی (رساله دکتری)<sup>۱</sup>

---

۱. انگیزه و دغدغه اصلی نویسنده این رساله پاسخ علمی به شبهات مخالفان شیعه درباره تأویلات موجود در منابع روایی شیعه با محوریت کتاب نورالثقلین است. وی درصدد نفی ذوقی بودن از ساحت روایات تأویلی اهل بیت علیهم السلام و اثبات «قاعده مندی» و «ضابطه مندی» آن‌هاست. اما آنچه در رساله وی بررسی شده، ضوابط حاکم بر تأویلات اهل بیت علیهم السلام بوده است، نه ضوابط اعتبارسنجی روایات تأویلی معصومان علیهم السلام. نویسنده در پایان رساله، اعتبارسنجی روایات تأویلی را به عنوان یکی از موضوعات پژوهشی برای دیگر محققان پیشنهاد کرده است.

\* معیارهای ارزیابی روایات فضایل اهل بیت (علیهم السلام) از منظر فریقین، سیدحیدر طباطبایی، (رساله دکتری)<sup>۱</sup>

\* اعتبارسنجی روایات تفسیری، محمود حاجی احمدی، (رساله دکتری)<sup>۲</sup>

\* تأویل در روایت‌های تفسیری، محمد مرادی، (رساله دکتری)<sup>۳</sup>

۱. در این رساله معیارهای نقد روایات مربوط به فضایل اهل بیت (علیهم السلام) بررسی شده‌اند. روشن است که نسبت روایات فضایل اهل بیت (علیهم السلام) و روایات تأویلی معصومان (علیهم السلام) عام و خاص من وجه است. چراکه بسیاری از روایات مربوط به فضایل اهل بیت (علیهم السلام) در قالب تفسیر یا تأویل آیات قرآن نیست و از سوی دیگر موضوع بسیاری از روایات تأویلی (باطنی) معصومان (علیهم السلام) خارج از قلمرو «فضایل اهل بیت (علیهم السلام)» است.
  ۲. پرسش اصلی این رساله بیان «معیارها و شرایط اعتبار روایات تفسیری و قرآن مؤثر در آن» است. وی با اراده معنایی عام از روایات تفسیری که شامل روایات ناظر به تأویل آیات هم می‌شود، به گونه‌شناسی روایات تفسیری و بررسی معیارها و شرایط اعتبار روایات تفسیری پرداخته است. در پژوهش وی، روایات تفسیری و تأویلی، و معیارها و ضوابط اعتبارسنجی هر یک از آن دو، جداسازی نشده است.
  ۳. این رساله برای پاسخ‌گویی به این پرسش نگاشته شده است که «روایت‌های تفسیری حاوی تأویل، چیستند؟ و چه آموزه‌هایی درباره تأویل ارائه می‌کنند؟». نویسنده در فصل دوم با عنوان «روایت‌های تفسیری و تأویلی و منابع آنها»، در بخش مربوط به «اعتبارسنجی روایت‌های تأویلی»، تنها به کلیاتی درباره لزوم اعتبارسنجی روایت‌های تأویلی بسنده کرده، و نه تنها از تبیین چستی این ضوابط، بلکه حتی از اشاره به جزئیات آن‌ها چشم‌پوشی کرده است.
- در فصل چهارم با عنوان «ضرورت‌ها و معیارهای تأویل»، گفتار دوم با عنوان «اصول و ضابطه‌های تأویل»، ضوابط را به دو دسته تقسیم کرده است: ۱. ضابطه‌های عمومی تأویل، ۲. اصول و ضابطه‌های گونه‌های تأویل. اما اولاً، ضوابط پذیرش و ضوابط رد روایت تأویلی از هم تفکیک نشده است. ثانیاً، در بخش «اصول و ضابطه‌های گونه‌های تأویل»، با وجود آنکه در گفتار سوم همین فصل، (با عنوان سنجه‌های تأویل درست)، سه معیار برای تشخیص تأویل معتبر معرفی شده است – یعنی (۱. ارجاع به قرآن، ۲. سازگاری با روش پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)، ۳. سازگاری باطن با ظاهر) – اما چند نکته و ابهام شایسته توجه است: نخست، این سنجه‌ها بسیار مختصر بیان شده‌اند و برای اعتبارسنجی دقیق و جامع روایات تأویلی معصومان (علیهم السلام) به نظر کافی نیستند. دوم، روشن نیست که این معیارها دقیقاً چگونه باید در ارزیابی روایت‌های تأویلی به کار گرفته شوند، یعنی چگونگی تطبیق «درستی یا نادرستی تأویل و ملاک‌های آن» بر خود روایات تأویلی معصومان (علیهم السلام) تبیین نشده است. سوم، درباره معیار «ارجاع به قرآن»، فقط به کلیاتی اشاره شده، اما نمونه‌هایی که این ضابطه را ندارند، ارائه نشده‌اند. چهارم، در معیار «سازگاری با روش پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)» نیز به بیان اصل ضابطه بسنده شده است، بدون اینکه با نمونه‌هایی از روایات تأویلی معصومان (علیهم السلام) تطبیق داده شود. پنجم، معیار سوم یعنی «سازگاری باطن با ظاهر» نه تنها تبیین نشده، بلکه مشخص نیست در مورد روایات تأویلی‌ای که پیوند روشنی با ظاهر آیه ندارند، این معیار دقیقاً چه معنایی دارد؟ همچنین درباره نقش سیاق آیه در اعتبارسنجی روایات تأویلی معصومان (علیهم السلام)، بحث دقیق، جامع و روشنی دیده نمی‌شود. همچنین، به این پرسش اساسی هم پاسخ داده نشده است که آیا ضوابطی برای مسکوت گذاشتن روایت تأویلی، و نه رد یا قبول آن داریم؟

نتیجه آنکه پژوهش‌های یادشده برخی به‌طور ضمنی و گذرا، ذیل عنوان کلی «روایات تفسیری» به طرح برخی از معیارهای اعتبارسنجی روایات تأویلی پرداخته‌اند و برخی دیگر، تنها به معیارهای اعتبارسنجی روایات بسنده کرده و درباره ضوابط بحث نکرده‌اند. گروهی نیز ضوابط تأویل درست را بدون در نظر گرفتن اینکه آن تأویل، منقول از معصوم (علیهم السلام) است یا خیر، بررسی کرده‌اند. همچنین، برخی دیگر هدف از طرح ضوابط تأویلات روایی معصومان (علیهم السلام) را نه کشف و بررسی ضوابط اعتبارسنجی این روایات، بلکه صرفاً اثبات قاعده‌مندی آن‌ها قرار داده‌اند. به‌رحال، هیچ‌یک از این پژوهش‌ها، به‌طور جامع و مستقل، و ویژه ضوابط نقد روایات تأویلی معصومان (علیهم السلام) را استقصاء و تنقیح نکرده‌اند. اما پژوهش حاضر با جداسازی مفهوم «تفسیر» از «تأویل» و تمرکز بر «روایات تأویلی منسوب به معصومان (علیهم السلام)» به کشف، بررسی و سامان‌دهی تمامی ضوابط نقد سندی و محتوایی روایات «تأویلی» معصومان (علیهم السلام) و چگونگی تطبیق این ضوابط بر تأویلات روایی می‌پردازد.

### ۱-۱-۷. جنبه‌های نوآوری پژوهش

نوآوری‌های این پژوهش عبارتند از:

۱. از حیث موضوع: پژوهش حاضر به‌طور ویژه «روایات تأویلی معصومان (علیهم السلام)» را محور مطالعه و بحث قرار داده و ضوابط اعتبارسنجی را بررسی کرده است. درحالی‌که، سایر پژوهش‌ها غالباً به‌طور کلی به آثار و منقولات تأویلی پرداخته‌اند که تأویلات منقول از معصومان (علیهم السلام) و غیر معصومان را نیز دربرمی‌گیرد؛ مانند تفاسیر باطنیه و صوفیه.
۲. از حیث گستره و شمول: با توجه به گونه‌های مختلف روایات تأویلی معصومان (علیهم السلام)، ضوابط عام و خاص اعتبارسنجی این روایات، هم در حوزه سند و هم در حوزه محتوا، تعریف، تبیین و بررسی شده است.
۳. براساس ضوابط تعریف‌شده: نمونه‌های بسیاری از روایات تأویلی معصومان (علیهم السلام) به‌ویژه موارد چالشی و بحث‌برانگیز، نقد و اعتبارسنجی شده است.

### ۱-۱-۸. روش پژوهش

روش این پژوهش، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. این پژوهش با مراجعه به منابع

## فصل اول: کلیات و مفاهیم ۱۱

موجود، علاوه بر استفاده از روش عقلی در تبیین مبانی و ضوابط، به شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی انجام شده است و با تطبیق بر نمونه‌های قرآنی - حدیثی، گزاره‌های مطرح شده در پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق را تبیین می‌کند.

### ۱-۲. مفاهیم

پیش از ورود به مباحث مربوط به «ضوابط اعتبارسنجی روایات تأویلی معصومان (علیهم‌السلام)» لازم است به معناشناسی و تبیین مراد از برخی اصطلاحات اصلی به کاررفته در این پژوهش پردازیم:

#### ۱-۲-۱. ضوابط

ضوابط جمع ضابطه و مشتق از «ضبط» است و به معنای همراهی پیوسته،<sup>۱</sup> ملازمت شدید،<sup>۲</sup> حبس کردن،<sup>۳</sup> استوار ساختن و یاد گرفتن چیزی<sup>۴</sup> است. به فرد بسیار نیرومند در انجام کار، «ضابط» می‌گویند.<sup>۵</sup>

بعضی «ضابطه»، «قاعده» و «قانون» را «حکم یا قضیه کلی که بر تمام جزئیات موضوعش منطبق می‌گردد و تحت قاعده کلی در می‌آید»<sup>۶</sup> دانسته‌اند. اصطلاح «ضابطه» و «قاعده» در «شمولیت و کلی بودن» قضایا، مشترک‌اند. برخی قرآن پژوهان معاصر، با تفکیک اصطلاحات «مبانی»، «اصول» و «قواعد (ضوابط)» از یکدیگر، قواعد تفسیر را دارای ویژگی «دستوری» دانسته و آن را چنین تعریف کرده‌اند: «دستورالعمل‌هایی کلی برای تفسیر قرآن مبتنی بر مبانی متقن عقلی، نقلی و عقلایی که با وجود آن‌ها تفسیر ضابطه‌مند می‌شود».<sup>۷</sup> در حالی که مبانی و

۱. فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۲۳؛ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۱، ص ۳۳۹.

۲. زمخشری، اساس البلاغة، ص ۳۷۰.

۳. ابن سیده، المحکم، ج ۸، ص ۱۷۵.

۴. زمخشری، مقدمه الادب، ص ۹۵.

۵. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۱، ص ۳۳۹.

زییدی واژه «ضابطه» را به «قاعده» (پایه ساختمان) معنا کرده و دهخدا نیز ضابطه و قاعده را مترادف و به معنای دستور و قانون دانسته است. (لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۵۳۲۴).

۶. تهانوی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، ج ۲، ص ۱۱۱۰؛ سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۲،

ص ۱۱۵۳؛ السیت، قواعد التفسیر جمعا و دراسة، ص ۲۳.

۷. بابایی، قواعد تفسیر قرآن، ص ۱۶.

اصول، گزاره‌هایی کلی، توصیفی، اخباری و از سنخ «هست‌ها» هستند که «محقق آن‌ها را پایه و زیربنای بحث خود برمی‌گزیند و مباحث مربوط را براساس آن استوار می‌کند».<sup>۱</sup> با توجه به تصریح برخی محققان بر مترادف اصطلاحات «ضابطه»، «قاعده» و «قانون» و تعریف آن‌ها به «حکم کلی» - که اخص از قضیه کلی است - و به قرینه تقابل اصطلاح «ضابطه» با «مبانی» و «اصول»، می‌توان ضوابط را به «دستورالعمل‌های کلی مبتنی بر مبانی متقن» تعریف کرد.

لازم به یادآوری است که ضابطه با معیار متفاوت است. معیار یا سنجه به معنای ترازوی زر،<sup>۲</sup> اندازه، پیمان، وزنه، سنگ ترازو و وسیله‌ای است که بدان چیز دیگر را بسنجند و برابر کنند.<sup>۳</sup> بر همین اساس ابزار سنجش روایات، مواردی هستند که با محک‌زدن روایات، سره و ناسره و درجه اعتبار آن‌ها را اندازه‌گیری، آشکار و برملا می‌سازند. مانند: قرآن، سنت معتبر، سیره عقلا، عقل و ... . اما ضوابط همان قواعد و شرایطی است که از سنجش روایات با این معیارها و چگونگی بهره‌گیری از این سنجه‌ها، به دست می‌آید. مانند: لزوم وثاقت راویان، لزوم عدم مخالفت متن روایت با قرآن و ... . رویکرد اصلی این پژوهش بیان ضوابط اعتبارسنجی است که گزاره‌های کلی با ویژگی دستوری هستند.

### ۱-۲-۲. اعتبارسنجی

«سنجش» و «سنجیدن» به معنای وزن‌کردن و ارزیابی است.<sup>۴</sup> واژه «معتبر» که در علم‌الحديث، برای توصیف «روایت»، «حدیث» و «خبر» استفاده می‌شود، از اصطلاحات ناظر به پذیرش روایت است. در برخی تعاریف به «حدیثی گفته می‌شود که همگان یا بیشتر عالمان، به مضمون آن عمل کرده‌اند یا از آن جهت که متصف به صحت و حسن و مانند آن دو است، دلیل بر اعتبارش اقامه شده است».<sup>۵</sup> بنابراین اعتبارسنجی حدیث «بررسی سندی و دلالتی حدیث منسوب به معصوم (علیه السلام) برای پی‌بردن به درستی انتساب آن به معصومان (علیهم السلام) است

۱. فاکر، مبانی تفسیر روایی، ص ۲۶؛ فاکر میبیدی، قواعد التفسیر لدى الشیعة و السنة، ص ۳۸.

۲. زمخشری، مقدمه الادب، ص ۶۶.

۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۹۶؛ مدنی، الطراز الاوّل، ج ۸، ص ۴۷۱؛ معین، فرهنگ فارسی معین، ص ۱۰۵۱.

۴. معین، فرهنگ فارسی معین، ص ۶۲۳.

۵. استرآبادی، لب‌الباب فی علم الرجال، ص ۷۵؛ کنی تهرانی، توضیح‌المقال فی علم الرجال، ص ۲۷۲.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۱۳

که نتیجه‌اش اعتماد یا بی‌اعتمادی به متن حدیث در اموری همچون جزئیات اصول اعتقادی، عمل به احکام و تفسیر آیات قرآن است».

هدف از اعتبارسنجی احادیث آن است که ارزشمندی و شایستگی متن، برای اسناد به معصوم (علیه السلام) در تبیین آموزه‌های دینی، معارف اعتقادی، حکم الهی یا فهم مدلول و مراد جدی آیات قرآن، بررسی و سنجیده شود. این معنا با اصطلاح «نقدالحدیث» یعنی «سنجش سند و متن آن با قواعد و معیارهای قطعی و پذیرفته‌شده، برای آگاهی از صحت و ضعف، و نیز درجه اعتبار حدیث»<sup>۱</sup> هم‌پوشانی دارد.

### ۱-۲-۳. نقد حدیث

«نقد» در لغت به معنای سره کردن درهم و سیم،<sup>۲</sup> جداساختن خوب و بد درهم،<sup>۳</sup> جدا کردن درهم و دینار،<sup>۴</sup> خرده‌گیری، نکته‌گیری، سخن‌سنجی، به‌گزینی، سیم‌گزینی، سره‌گری، نکوهش، آشکار کردن عیب کلام و نظر کردن در شعر و سخن و تمیز دادن خوب آن از بدش<sup>۵</sup> گزارش شده است.

در اصطلاح حدیث، «نقدالحدیث» به گونه‌های مختلف تعریف شده است،<sup>۶</sup> اما وجه مشترک تعاریف، آن است که این دانش به بازشناسی احادیث صحیح و معتبر از ناصحیح و نامعتبر می‌پردازد. از آنجاکه حدیث از دو بخش سند و متن تشکیل می‌شود، این جداسازی می‌تواند از طریق تحلیل سند (نقد بیرونی حدیث)<sup>۷</sup> و بررسی محتوای حدیث (نقد درونی

۱. مسعودی، وضع و نقد حدیث، ص ۱۷۴.

۲. زمخشری، مقدمه الادب، ص ۱۲۶.

۳. زمخشری، اساس البلاغة، ص ۶۵۰.

۴. ابن سیده، المحکم، ج ۶، ص ۳۱۶.

۵. دهخدا، لغت‌نامه، ج ۱۳، ص ۲۰۰۳۲.

۶. «جداسازی احادیث درست از نادرست پس از جمع‌آوری طرق حدیث و دقت نظر در آن» (الاعظمی، معجم مصطلحات الحدیث و لطائف الاسانید، ص ۵۱۷)؛ «به‌کارگیری اصول و قواعد مطرح در علوم حدیث و در صورت اصالت حدیث، کشف سند و متن اصیلی که از آن آسیب‌ها عاری است» (ایزدی، روش‌شناسی نقد متن حدیث، ص ۱۷، به نقل از: ادلیبی، منهج نقد المتن، ص ۳۰)؛ «سنجش سند و متن حدیث با قواعد و معیارهای قطعی و پذیرفته‌شده، برای آگاهی از صحت و ضعف و نیز درجه اعتبار حدیث است» (مسعودی، وضع و نقد حدیث، ص ۱۷۴).

۷. مسعودی، وضع و نقد حدیث، ص ۲۱۷.

#### ۱۴ ضوابط ارزیابی احادیث تأویلی معصومان (علیهم السلام)

حدیث<sup>۱</sup> انجام شود. اصطلاح نقد حدیث مترادف با «ارزیابی» و «اعتبارسنجی» حدیث بوده و تا حدی به دانش «علل الحدیث»<sup>۲</sup> نزدیک است.

باید توجه داشت در برخی منابع مرتبط با فقه الحدیث در دوره معاصر، میان اصطلاح «نقد متن» و «نقد محتوا» تفاوت قائل شده‌اند. «نقد متن» حدیث متناسب با فرایند کشف اصالت متن است و تلاش می‌شود آسیب‌های احتمالی وارد شده بر حدیث، مانند تصحیف، ادراج و تقطیع، شناسایی و متن اصیل بازمی‌یابد شود.<sup>۳</sup> اما «نقد محتوا» که در مرتبه‌ای پس از نقد متن قرار دارد، به بررسی درون‌مایه و محتوای متن اصلی حدیث پرداخته، و آن را با معیارهای استوار و معتبر، مانند قرآن، سنت قطعی و مسلمات اعتقادی می‌سنجد تا میزان اعتبار آن ارزیابی شود. چنین نقدی «نقد درونی» یا «نقد محتوایی» حدیث نام دارد<sup>۴</sup> (در برابر «نقد بیرونی» یا «نقد سندی»). بنابراین، در فرایند اعتبارسنجی روایت، اصالت متن آن مفروض است. گرچه نمی‌توان بدون نقد متن، به نقد محتوا و اعتبارسنجی درون‌مایه حدیث پرداخت. در این پژوهش تأکید بر ضوابط «نقد محتوایی» است.

#### ۱-۲-۴. تفسیر

تفسیر در لغت مشتق از ماده «فسر» در اصل به معنای «بیان و توضیح دادن شیء» است.<sup>۵</sup>

۱. مسعودی، وضع و نقد حدیث، ص ۲۳۰.

۲. به حدیثی که در نفس الامر مشتمل بر امری پنهان و پیچیده در متن یا سند است، اما ظاهرش سالم و حتی دارای نشانه‌های صحت است، حدیث «معلل» یا «معلول» می‌گویند. شناخت چنین حدیثی فقط از عهده کسانی برمی‌آید که در شناخت طریق و متون حدیث خبره هستند. شهید ثانی، الرعایة فی علم الدراية، ص ۱۴۱؛ الاعظمی، معجم مصطلحات الحدیث و لطائف الاسانید، ص ۴۳۹ بنابراین دانشی که به کشف نقاط ضعف پنهان در احادیث به ظاهر صحیح می‌پردازد، «علل الحدیث» نام دارد. ایزدی، روش‌شناسی نقد متن حدیث، ص ۱۸؛ ۶۳. الاعظمی، معجم مصطلحات الحدیث، ص ۲۸۸.

۳. ایزدی، روش‌شناسی نقد متن حدیث، ص ۲۲۳؛ مسعودی، فقه الحدیث (۱)، ص ۸۹-۹۰.

۴. مسعودی، وضع و نقد حدیث، ص ۱۷۷، ۲۱۷، ۲۳۰-۲۳۲.

۵. ابن‌فارس، مقایس اللغة، ج ۴، ص ۵۰۴.

واژه «تفسیر» با توسعه معنایی در «هر چیزی که به وسیله آن معنای چیزی شناخته می‌شود» (فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۲۴۸؛ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۲، ص ۲۸۳) و «آنچه که حال چیزی را شرح و توضیح می‌دهد» (زمخشری، اساس البلاغة، ص ۴۷۳) به کار رفته است.

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۱۵

برخی «تفسیر» را مبالغه در معنای «فسر» دانسته‌اند.<sup>۱</sup> این واژه معانی گوناگونی دارد که می‌توان آن‌ها را در چهار دسته جای داد:

۱. معنای مطلق با ذکر متعلق عام: شرح و بیان چیزی،<sup>۲</sup> آشکار ساختن امر پوشیده.<sup>۳</sup>
۲. معنای مخصوص به امور غیرحسی: آشکار کردن معنای معقول.<sup>۴</sup>
۳. معنای مخصوص به لفظ و سخن: کشف مراد از لفظ مشکل،<sup>۵</sup> شرح و تفصیل کتاب،<sup>۶</sup> تبیین و توضیح سخن.<sup>۷</sup>
۴. معنای مخصوص به قرآن: شرح و بیان آیات قرآن.<sup>۸</sup>

با دقت در کاربردهای لغوی «تفسیر»، این مطلب به دست می‌آید که گرچه حقیقت تفسیر، آشکار کردن یک امر پوشیده (محسوس<sup>۹</sup> یا معقول) است، اما این آشکارسازی وابسته به آگاهی اشخاص از آن امر پنهان نیست. برای مثال، اگر شیئی مادی با پارچه‌ای پوشانده شده باشد و ما پیش‌تر از چستی آن مطلع باشیم، هنگامی کنار رفتن پرده، آن شیء نمایان شده و معنای آشکار شدن محقق می‌شود. همین موضوع درباره کشف امر معنوی نیز صدق می‌کند؛ زیرا طبیعت امر معقول، پوشیدگی و پنهان بودن از حواس است، خواه نسبت به آن آگاهی و التفات تفصیلی

- 
۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۳۶؛ جمعی از ادیبان و لغت‌شناسان تصریح کرده‌اند که باب تفعیل دلالت بر معنای تکثیر و مبالغه می‌کند. از جمله: سیبویه در الکتاب، ج ۲، ص ۲۸۳، ۲۹۳؛ ابن سیده در المخصّص، ج ۱۴، ص ۱۷۳ و المحکم، ج ۶، ص ۲۱۲؛ ابن جنّی در الخصائص، ج ۱، ص ۲۴۳؛ سکاکی در مفتاح العلوم، ص ۹۳؛ زمخشری در الفائق فی غریب الحدیث، ج ۲، ص ۴۲۴؛ ابن حاجب در کتاب الشافیة، ص ۶۳ و شیخ رضی در شرح بر شافیة ابن حاجب، ج ۱، ص ۹۲ و ۱۶۷.
  ۲. جوهری، الصحاح، ج ۲، ص ۲۸۱.
  ۳. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۲، ص ۲۸۲.
  ۴. راغب اصفهانی، مفردات الالفاظ القرآن، ص ۶۳۶.
  ۵. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۲، ص ۲۸۳.
  ۶. فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۲۴۷؛ ابن عباد، المحيط، ج ۸، ص ۳۱۱.
  ۷. ابن درید، الجمهرة، ج ۲، ص ۷۱۸.
  ۸. ابن عباد، المحيط، ج ۸، ص ۳۱۱؛ زمخشری، مقدّمة الادب، ص ۲۱۳.
  ۹. ابو حیان اندلسی از ثعلب چنین نقل کرده است: «فسّرت الفرس عریته لينطلق في حصره» (اسب را برهنه کردم (سازویرش را از پشتش برداشتم) تا از محدودیت آسوده شود) آن‌گاه ابو حیان می‌گوید: «و این به معنای کشف برمی‌گردد؛ گویی پشت اسب را آشکار (و از زیر بار زین و سازویرگ بیرون آورده است) تا چنان‌که مطلوب اوست، اسب بتواند به راحتی بتازد.» البحر المحيط، ج ۱، ص ۲۶ همچنین نک به: ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۱، ص ۸۶.

داشته باشیم یا نه. از این رو، هر فعل و فرایندی که امر معقول را در قالب درک حسی قرار دهد، -مانند تشبیه معقول به محسوس در باب استعاره-<sup>۱</sup> مصداق «تفسیر» است. نتیجه‌ای که از این نکته به دست می‌آید، آن است که تفسیر، هنگامی که با کلام، کتاب و حدیث همراه شود، صرفاً به «کشف معنا و مراد از لفظ مشکل»،<sup>۲</sup> «کلام مبهم و مجمل»،<sup>۳</sup> «کلام غیرظاهر در مراد متکلم»،<sup>۴</sup> «الفاظ غیرواضح الدلالة»،<sup>۵</sup> یا «لفظ غیرظاهر در معنای مورد نظر»<sup>۶</sup> محدود نمی‌شود. هنگامی که مراد متکلم که امری معقول و پوشیده از حس است، روشن می‌شود؛ حقیقت کشف و تبیین کلام تحقق یافته است. خواه دلالت کلام در آن معنا آشکار باشد یا مجمل، و خواه مخاطب از پیش به معنا و مراد آن الفاظ آگاه باشد یا نباشد. مؤید این مطلب روایتی از امام صادق (علیه السلام) است که در آن به صراحت از دو نوع تفسیر، سخن به میان آمده است: «تفسیر ظاهر» و «تفسیر باطن».<sup>۷</sup> هم‌نشینی و کاربرد واژه «تفسیر» در کنار واژگان «ظاهر» و «باطن» نشان می‌دهد که تبیین معنای ظاهری و باطنی یک لفظ، هر دو در قلمرو تفسیر قرار

۱. سکاکی، مفتاح العلوم، ص ۴۹۸؛ هاشمی، جواهرالبلاغه، ص ۲۲۷؛ سبکی، عروس الافراح فی شرح تلخیص المفتاح، ج ۲، ص ۵۴.
۲. تهذیب اللغة، ازهری، ج ۱۲، ص ۲۸۳.
۳. شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری، ص ۱۶.
۴. همان.
۵. شاکر، روش‌های تأویل قرآن، ص ۸۰.
۶. شاکر، مبانی و روش‌های تفسیری، ص ۳۳.
۷. الکافی، کلینی، ج ۱، ص ۴۷۹؛ عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۴۶؛ شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۲۶۴؛ بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۵۴۰؛ عروسی حویزی، نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۷۷ متن روایت چنین است: «عَنْ صَالِحِ بْنِ سَهْلٍ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ: «فَتُخَذُ أَرْبَعَةٌ مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا» الْآيَةِ فَقَالَ: أَخَذَ الْهَدْهَدَ وَالصُّرْدَ وَالطَّاوُسَ وَالْعُرَابَ فَذَبَحَهُنَّ وَعَزَلَ رُءُوسَهُنَّ ثُمَّ نَحَرَ أَبْدَانَهُنَّ بِالْمِنْخَارِ بِرَيْشِهِنَّ وَلُحُومِهِنَّ وَعِظَامِهِنَّ حَتَّى اخْتَلَطَ، ثُمَّ جَزَّاهُنَّ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ عَلَى عَشْرَةِ جِبَالٍ، ثُمَّ وَضَعَ عِنْدَهُ حَبًّا وَ مَاءً ثُمَّ جَعَلَ مَنَاقِرَهُنَّ بَيْنَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ قَالَ ائْتِنِي سَعِيًّا يَا ذَنبُ اللَّهِ فَتَطَايَرَتْ بَعْضُهُنَّ إِلَى بَعْضِ اللَّحُومِ وَالرَّيْشِ وَالْعِظَامِ حَتَّى اسْتَوَتْ بِالْأَبْدَانِ كَمَا كَانَتْ وَجَاءَ كُلُّ بَدَنِ حَتَّى اتَّرَقَ بِرَقَبَتِهِ الَّتِي فِيهَا الْمُنْقَارُ. فَحَلَى إِبْرَاهِيمُ عَنْ مَنَاقِرِهَا - فَرَفَعْنَ وَ شَرِبْنَ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ، وَ التَّقَطْنَ مِنْ ذَلِكَ الْحَبِّ، ثُمَّ قُلْنَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَحْيَيْتَنَا أَحْيَاكَ اللَّهُ، فَقَالَ: بَلِ اللَّهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ، فَهَذَا تَفْسِيرُهُ فِي الظَّاهِرِ، وَ أَمَّا تَفْسِيرُهُ فِي بَاطِنِ الْقُرْآنِ قَالَ: خُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ مِمَّنْ يَحْتَمِلُ الْكَلَامَ فَاسْتَوْدِعْهُمْ عِلْمَكَ، ثُمَّ ابْعَثْهُمْ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ حُجَّجًا لَكَ عَلَى النَّاسِ، فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يَأْتُوكَ دَعْوَتَهُمْ بِالْأَسْمِ الْأَكْبَرِ - يَأْتُونَكَ سَعِيًّا يَا ذَنبُ اللَّهِ» در خصال شیخ صدوق تعبیر «فَهَذَا تَفْسِيرُ الظَّاهِرِ» و «تَفْسِيرُهُ فِي الْبَاطِنِ».

## فصل اول: کلیات و مفاهیم ۱۷

دارند. بنابراین، هنگامی که «تفسیر» به کلام نسبت داده شود، در کاربرد لغوی اش به معنای تلاش برای توضیح سخن یا آشکار ساختن معنا و مراد کلام متکلم است. خواه دلالت کلام در آن معنا آشکار باشد یا مجمل و پنهان. همچنین، این کشف معنا ممکن است از ظاهر الفاظ حاصل شود یا با استدلال به قرائنی دیگر، به دست آید.

اما تفسیر در اصطلاح علوم قرآنی، به دو گونه تعریف شده است: ۱. «تلاش فکری برای کشف معنای الفاظ قرآن و بیان مراد خداوند از عبارات آن.»<sup>۱</sup> ۲. «علمی که به کشف معنا و بیان مراد جدی خداوند از الفاظ قرآن می‌پردازد»<sup>۲</sup> راغب، تفسیر قرآن را شامل تبیین «الفاظ مشکل و غیر آن» و نیز «معنای ظاهر و غیر آن» دانسته است.<sup>۳</sup> از سخنانش برمی‌آید که از دیدگاه مفسران، قلمرو تفسیر محدود به دشواری الفاظ در رساندن مراد جدی خداوند نیست، بلکه الفاظی را که ظاهر در معنای مقصود هستند نیز دربرمی‌گیرند.<sup>۴</sup>

مقصود ما از اصطلاح «تفسیر» در این نوشتار «تلاش فکری یا دانشی برای کشف معنا و بیان مراد جدی خداوند از آیات قرآن» است. قلمرو این تعریف، شامل بیان ظاهر و باطن (تأویل) آیات نیز می‌شود.

### ۱-۲-۵. تأویل

«تأویل» مشتق از ماده «أول» به معنای «رجوع» است.<sup>۵</sup> این واژه در فارسی به معنای

---

۱. راغب اصفهانی، به نقل از: زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۸۵. طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۹؛ طریحی، مجمع البحرين، ج ۳، ص ۴۳۸. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴؛ خوبی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۹۷؛ معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۱، ص ۱۳؛ بابایی، قواعد تفسیر قرآن، ص ۱۳.

۲. ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان، ج ۱، ص ۲۴؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۰۴؛ حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۴۲۷؛ این تعریف را حاجی خلیفه به نقل از تفسیر الفاتحه علامه فناری و او به نقل از شرح کشف قطب الدین رازی آورده است؛ محیی الدین محمد بن سلیمان الکافیجی، التیسیر فی قواعد علم التفسیر، ص ۳۰ همچنین نک به: بابایی، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۱۹؛ همو، قواعد تفسیر قرآن، ص ۸-۹.

۳. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۸۵.

۴. همان.

۵. ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۳۲۹.

«بازگرداندن» به کار می‌رود. در منابع لغت، معانی گوناگونی برای واژه «تأویل» بیان شده است. مانند: «برگرداندن چیزی به هدفی که از آن مدنظر است»،<sup>۱</sup> «بازگرداندن کلام از معنای ظاهر به معنای پنهان‌تر از آن»،<sup>۲</sup> «آشکار کردن آنچه شیء به آن باز می‌گردد»،<sup>۳</sup> «تفسیر کلامی که معنای آن مختلف بوده و جز با بیانی فراتر از الفاظ آن ممکن نباشد»<sup>۴</sup> و «عاقبت کلام و آنچه که سخن به آن باز می‌گردد».<sup>۵</sup> تأویل کلام در لغت، به معنای بازگرداندن سخن است؛ یا به مبدأ نخستین صدور آن، یعنی همان قصد متکلم، یا به سرانجام، غایت و مقصدی که متکلم آن را اراده کرده است. به عبارت دیگر، تأویل بیان معنای مراد از الفاظ و مقصود نهایی کلام است. خواه این معنا در ظاهر لفظ آشکار باشد یا در پرده خفا و ابهام نهفته باشد. همچنین، ممکن است این معنا مستقیماً از ظاهر الفاظ به کاررفته فهمیده شود یا با استدلال به قرائنی دیگر، آشکار شود. به دیگر سخن، تأویل کلام در کاربرد لغوی اش نه محدود به بیان معانی باطنی است و نه صرفاً حمل کلام بر معنای خلاف ظاهرش با وجود قرینه را شامل می‌شود.

اما در اصطلاح بسیاری از اصولیان و قرآن‌پژوهان، «تأویل» به معنای «حمل لفظ بر معنای محتمل، مرجوح و باطن (غیرظاهر)»<sup>۶</sup> تعریف شده است. خواه همراه با قرینه قوی باشد (تأویل صحیح) یا نباشد (تأویل باطل).<sup>۷</sup> براساس این تعریف، لفظ مؤول در معنایی ظهور دارد که به دلیل قرینه، از آن صرف نظر می‌شود، و به معنایی که لفظ از نظر وضع یا استعمال، پذیرای آن است، حمل خواهد شد.

از سخن برخی اصولیان چنین برمی‌آید که «تأویل» اعم از ظواهر و الفاظ فاقد ظهور

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۹۹.

۲. طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۱۲.

۳. جوهری، الصحاح، ج ۴، ص ۱۶۲۷.

۴. فراهیدی، العین، ج ۸، ص ۳۷۰.

۵. ابن فارس، مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۶۲.

۶. زرکشی، البحرالمحیط، ج ۳، ص ۲۶؛ فخررازی، المحصول، ج ۱، ص ۲۳۰؛ ابن جزی، التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۱، ص ۱۶؛ غزالی، المستصفی، ص ۱۹۶؛ سمین‌حلبی، عمدة الحفاظ، ج ۳، ص ۲۷۳؛ علامه‌حلی،

نهایة الوصول الی علم الاصول، ج ۲، ص ۴۹۰؛ سید مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، ص ۲۶۵.

۷. آمدی، الاحکام فی اصول الاحکام، ج ۱، ص ۳۹، ج ۳، ص ۵۳؛ ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۸؛ ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۱، ص ۴۵۶؛ حمدی زقروق، الموسوعة القرآنیة المتخصّصة، ص ۲۴۳-۲۴۴.